

صلح شکننده و فرصت ایران

از توقف جنگ تا معماری ثبات ملی



محسن هاشمی رفسنجانی

امضای تفاهم‌نامه پایان جنگ، هرچند

نقطه عطفی مهم در کاهش تنش‌های نظامی و گشایش یک مسیر تازه سیاسی است، اما در دل یک نظم ژئوپلیتیکی ناپایدار و پرتحول شکل گرفته است. از همین رو بیش از آنکه بتوان آن را «پایان یک وضعیت» دانست، باید آن را آغاز مرحله‌ای تازه از عدم‌قطعیت‌ها تلقی کرد. در این مرحله، ایران برای تبدیل آتش‌بس به ثبات پایدار و صیانت از دستاوردهای به‌دست‌آمده، ناگزیر از بازتعریف رابطه میان امنیت، توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی است که سرنوشت آن در کیفیت حکمرانی اقتصادی و میزان اعتماد و رضایت عمومی جامعه تعیین خواهد شد. امضای تفاهم‌نامه پایان جنگ، در شرایطی رخ داده است که هدف اعلامی دشمنان، تضعیف و حتی براندازی ساختار سیاسی ایران بود. از این منظر، نفس رسیدن به توافقی که به توقف مخاصمه مسلحانه انجامیده، واجد معنایی روشن است: شکست پروژه‌ای که بر فروپاشی ایران بنا شده بود. بااین‌حال، نباید از یاد برد که این توافق در بستری شکننده و متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای شکل گرفته است که هر لحظه می‌تواند تحت تأثیر محاسبات جدید، دستخوش تغییر شود. در چنین شرایطی، مسئله اصلی نه صرفاً «امضای توافق»، بلکه «تضمین پایداری آن» است. تجربه‌های مشابه نشان می‌دهد توافقی که در سطح سیاسی امضا می‌شود، اگر در لایه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی پشتیبانی نشود، به‌سرعت در معرض فرسایش قرار می‌گیرد. از این‌رو، هر اقدام عقلانی که به تقویت ثبات این توافق کمک کند، در واقع تقویت امنیت ملی ایران است، نه امتیازدهی یک‌جانبه. در این چارچوب، یک جابه‌جایی مهم در منطق سیاست‌گذاری ضروری است. اگر تا دیروز، دیپلماسی در سایه میدان معنا پیدا می‌کرد، امروز میدان باید در خدمت دیپلماسی و تثبیت دستاوردهای آن قرار گیرد. این تغییر به معنای تضعیف قدرت دفاعی نیست، بلکه به معنای قراردادن آن در چارچوب راهبردی بلندمدت برای کاهش هزینه‌های تنش و افزایش ظرفیت‌های توسعه‌ای کشور است.

یکی از نکات مهم در این مرحله، بازتعریف مفهوم پیروزی است. در مخاصمه‌ای که هدف آن برهم‌زدن موجودیت سیاسی یک کشور بوده، صرف بقای ساختار و حفظ انسجام سرزمینی، خود نوعی موفقیت راهبردی محسوب می‌شود. بااین‌حال، این موفقیت زمانی کامل خواهد شد که بتوان آن را به سازندگی کشور و در نتیجه بهبود معیشت مردم، افزایش رفاه عمومی و ارتقای کیفیت زندگی تبدیل کرد. در غیر این صورت، دستاوردهای سیاسی در سطح نماد باقی خواهد ماند و در سطح جامعه ناهدیده نخواهد شد. در این میان، باید با صراحت گفت که بزرگ‌ترین بازنده استمرار جنگ، نبره‌هایی بودند که بر سناریوی جایگزینی و بی‌ثبات‌سازی ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند؛

چه در قالب پروژه‌های سیاسی و چه در قالب محاسبات منطقه‌ای. اما پیروزی واقعی زمانی تثبیت می‌شود که ایران بتواند از مرحله «بقای امنیتی» به مرحله «بازسازی اعتماد و رفاه» عبور کند. در سطح سیاست اقتصادی، بازنگری در الگوی توزیع منابع ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ادامه سازوکارهای رانتی در حوزه انرژی، ارز و تسهیلات بانکی، نه‌تنها عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی

دولت را نیز فرسایش می‌دهد. حرکت به سمت الگویی که در آن حمایت‌ها هدمندم و معطوف به ا فشار آسیب‌پذیر باشد، بخشی از الزامات تثبیت پسا‌جنگ است. عدالت اقتصادی در این مرحله، یک ضرورت امنیتی است. در کنار آن، جامعه ایران نیازمند بازتعریف رابطه میان دولت و سبک‌های متکثر زندگی است. به رسمیت شناختن تنوع اجتماعی و پرهیز از تقلیل جامعه به یک الگوی واحد، یکی از پیش‌شرط‌های کاهش تنش‌های درونی است. تجربه نشان داده است هرچه شکاف میان سیاست رسمی و زیست واقعی مردم کمتر شود، ظرفیت کشور برای مواجهه با فشارهای بیرونی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، نباید این نکته را نادیده گرفت که تداوم و پایداری توافق، به‌شدت تحت تأثیر محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی ایران است. تحولات منطقه‌ای، رقابت قدرت‌ها و تغییر در اولویت‌های بازیگران جهانی می‌تواند هر یک از این وضعیت را دستخوش تغییر کند. از این‌رو، آمادگی برای مواجهه با ناپایداری، یک ضرورت دائمی است. اما این آمادگی، تنها نظامی و سخت‌افزاری نیست. امنیت پایدار ایران در گرو یک سرمایه‌بنیادین است: رابطه دولت و ملت، هرچه این رابطه بر پایه اعتماد، مشارکت و احساس تعلق مشترک استوارتر باشد، تاب‌آوری ملی در برابر بحران‌ها نیز افزایش می‌یابد.

شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۵
۵ محرم ۱۴۴۸
۲۰ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۱۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: تفاهم ایران و آمریکا؛از مقاومت تا آزمون بزرگ دیپلماسی • بلوغ نهادهی اتاق‌های اصناف و حکمرانی مطلوب صنفی / علیرضا سلمانی • فوتبال هم ناجی گیشه‌های کم‌رونق نشد

«شرق» گزارش می‌دهد؛ برای نخستین بار پس از انقلاب، رؤسای جمهور ایران و آمریکا پای یک سند مشترک را امضا کردند

راه دشوار پس از امضا



این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید



یادداشت

از شکست تحریم تا اقتدار در جنگ و پسا‌جنگ؛ روایتی از تاب‌آوری صنعت نفت ایران

انتقال فرآورده‌های نفتی، مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر و عسلویه و برخی زیرساخت‌های صادراتی کشور هدف حملات مستقیم قرار گرفتند. هدف دشمن ایجاد اختلال در تأمین انرژی، تشدید ناترازی سوخت، کاهش تولید و ایجاد نارضایتی عمومی بود؛ اما صنعت نفت با اتکا به تجربه، دانش فنی و ایثار کارکنان خود، اجازه نداد این اهداف محقق شود.

با این وجود و از نخستین ساعات آغاز جنگ، با هدایت مستقیم وزیر نفت و فعال‌سازی کامل سازوکارهای مدیریت بحران، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و فوری برای حفظ پایداری عرضه انرژی در کشور آغاز شد. نتیجه این اقدامات آن بود که علی‌رغم خسارات وارده‌به برخی تأسیسات، شبکه سراسری گاز کشور پایدار ماند، عرضه سوخت به مردم تداوم یافت، زنجیره تأمین محصولات پتروشیمی دچار وقفه جدی نشد و صادرات نفت و گاز کشور حفظ شد. در بخش فرآورده‌های نفتی، با اجرای طرح‌های اضطراری انتقال سوخت، استفاده از مسیرهای جایگزین، افزایش ظرفیت بارگیری در مناطق مختلف، بهره‌گیری از ذخایر راهبردی و مدیریت هوشمندانه توزیع، نیازهای کشور بدون ایجاد بحران گسترده تأمین شد. در بخش گاز نیز از طریق بازآرایی فرایندهای تولید، استفاده از ظرفیت‌های پالایشگاه‌ها و خطوط

انتقال و اجرای اقدامات فنی و عملیاتی، بخش مهمی از افت تولید ناشی از آسیب به برخی تأسیسات جبران و پایداری شبکه سراسری گاز حفظ شد.

۵ صفحه ادامه‌دار

علی پوریایی

کارشناس انرژی

پیدا کرد و زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات نفتی از حدود سه ماه به کمتر از یک ماه کاهش یافت. این دستاوردها نه‌تنها درآمدهای ارزی کشور را تقویت کرد، بلکه نشان داد صنعت نفت ایران توانسته است سازوکارهای خود را با شرایط پیچیده تحریمی تطبیق داده و مسیرهای جدیدی برای حفظ منافع ملی ایجاد کند. شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای این موفقیت‌ها، آن بود که دشمنان ایران به تدریج دریافتند ابزار تحریم دیگر کارایی گذشته را ندارند. هنگامی که فشار اقتصادی و تحریم‌های نفتی نتوانستند اهداف طراحی‌شده را محقق کنند، طبیعی بود که گزینه‌های پرهزینه‌تر و مخاطره‌آمیزتری در دستور کار قرار گیرد. از این منظر، می‌توان حملات مستقیم به زیرساخت‌های انرژی کشور در جنگ‌های ۱۲اروزه و ۴۰روزه را در امتداد همان راهبرد ناکام فشار اقتصادی تحلیل کرد؛ راهبردی که این بار به جای هدف قراردادن مسیرهای فروش نفت، تأسیسات تولید، فرآوری، انتقال و ذخیره‌سازی انرژی کشور را نشانه گرفت. اما همان‌گونه که تحریم‌ها در متوقف‌کردن صنعت نفت ایران ناکام ماندند، جنگ نیز نتوانست به اهداف خود دست یابد. در طول جنگ‌های ۱۲اروزه و ۴۰روزه، بسیاری از تأسیسات حیاتی صنعت نفت ازجمله فازهای تولید و فرآوری گاز در عسلویه، مخازن ذخیره سوخت در تهران و البرز، تأسیسات

یادداشت

حقوق ملت و آداب صلح و پیروزی

دهند و موضوع همین است که ما در اکثر مواقع، استانداردهای دوگانه داریم و آن‌قدر این در میان ما پرتکرار است که شاید به صراحت بتوان گفت اگر نه همه، بلکه اکثریت به اتفاق ما، دچار حب و بغض شخصی هستیم و آداب موضوع را رعایت نمی‌کنیم؛ درست مثل همان ماجرای ملانصرالدین که درد خانه‌اش را زده بود و مردم گرد او جمع شده بودند و یکی می‌گفت مقصر خود تو هستی که سگ در خانه نداشتی که دزد را بگیرد و یکی می‌گفت مقصر خودت هستی که در پنجره خانه‌ات قفل و بست درستی نداشت و یکی می‌گفت مقصر خودت هستی که خوابت سنگین است و متوجه نشدی که دزد به خانه‌ات آمده و از همین دست نظرات که آخر ملا گفت «یعنی آن دزد که به

خانه‌ام زده، هیچ تقصیر و خطایی نکرده و همه خطاها از من بوده؟» و این همان مسئله آداب است. آداب هر رفتاری و هر جایگاهی معلوم و مشخص است. مثلا با آنکه خشم و غضب خطاست، ولی این فرق می‌کند که یک کودک یا آدمی معمولی باشی که روح و روانت را به خشم و غضب می‌سپاری یا پدر و مسئول یک خانواده که با تکیه بر خشم و غضب رفتار می‌کنی. پنجشنبه‌شب گذشته، پیام رهبر انقلاب درباره امضای تفاهم‌نامه بین ایران و آمریکا منتشر شد که به گمان من، یکی از مهم‌ترین پیام‌هایی بود که در این ۴۷ سال از سوی کسی که در جایگاه نخست مسئولیت در کشورمان نشسته، برای روشن‌شدن دلیل تصمیم صادر شده است. مهم‌ترین فراز این بیانه به‌راهمتی که تقریبا از سوی همه مورد توجه قرار گرفته، آنجاست که رهبر انقلاب گفته‌اند «در مورد تفاهم‌نامه نظر دیگری داشتم، اما به دلیل تعهد رئیس‌جمهور برای پاسداریت حقوق ملت و جبهه مقاومت، آن را پذیرفتم». این‌که رهبر انقلاب هر نظری هم که داشته باشد و بشخصه بر هر عقیده‌ای هم که باشد، در مقام تصمیم‌گیری، آنچه برایش مهم است، نه نظر شخصی خودش، بلکه ملاک «حقوق ملت» است و این درخشان‌ترین فراز بیانه ایشان است؛ اینکه «حقوق ملت» مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری است. و این بسیار سخت است که همه خانواده‌ات و حتی کودک‌ت را به شهادت رسانده باشی، اما خشم و غضب را کنار بگذاری و بگویی «حقوق ملت». این همان آدابی است که در جایگاه تصمیم و نظر لازم است رعایت شود و حالا که کشورمان به سلامت از سخت‌ترین بحران تاریخ وجودی خود گذشته است و از تونل تاریک ۲۰۰ساله پس از شکست تحقیرآمیز در جنگ‌های ایران و روس، با مقاومت در مقابل قدرتمندترین نیروی نظامی تاریخ خارج شده، شرط آداب پیروزی و صلح آن است که همه به آداب پیروزی وفادار باشیم.



رهبر انقلاب در پیامی خطاب به ملت ایران درباره تفاهم‌نامه رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا:

نظر دیگری داشتم اما به دلیل تعهد رئیس‌جمهور برای پاسداشت حقوق ملت، آن را پذیرفتم

برگزیده‌ها

بازیروس ادسرای جرانت پزشکی درگفت‌وگو با «شرق» از کوچک‌شدن بازار رسمی دارو و بزرگ‌شدن بازار قاچاق می‌گوید

روایتی از مافیای پنهان دارو

بالاگرفتن آتش جنگ در تپه «علی‌الطاهر» مذاکرات سوئیس را به تعویق انداخت

لبنان؛ گره توافقی



انجمن صنعت ساختمان در نامه‌ای سرکشده به رئیس‌جمهوری نسبت به وضعیت بازار مسکن هشدار داد

کارگروه ملی مسکن ایجاد کنید

جام ۲۰۲۶

وقتی اسطوره باید برود تا محبوب بماند

پایان تاج و تخت؟

یادداشت

فصل تازه حکمرانی در سایه اقتدار ملی



سید فرید موسوی

نماینده مجلس

فردای امضای تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا، طبیعی است که نگاه‌ها به متن و جزئیات آن دوخته شود؛ به اینکه چه داده و ستانده‌های صورت گرفته است. اما پیش از ورود به این بحث‌ها، یک پرسش مهم‌تر وجود دارد؛ این توافق بر چه تصویری از ایران بنا شده است؟ تصویری که جهان امروز از ایران می‌بیند، با گذشته تفاوتی بنیادین دارد. ایران در بزنگاهی سخت، برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، نه‌تنها از هم نپاشید، بلکه توانست امنیت خود را حفظ کند، انسجام درونی‌اش را نگه دارد و در میانه فشار و تهدید، کارکردهای اصلی حاکمیت خود را ادامه دهد و بلکه تقویت کند. همین تغییر در ادراک، به نقطه کانونی قضاوت درباره این تفاهم‌نامه تبدیل شده است. آنچه امروز در میز مذاکره دیده می‌شود، بازتاب همین تصویر جدید است؛ تصویری که از سطح تصورات پیشین عبور کرده و به تجربه‌ای عینی و آزموده‌شده رسیده است. طرف متجاوز اکنون با کشوری مواجه است که در شرایط فشار، علاوه بر واکنش سریع، توان تصمیم‌سازی، توازن و حتی تهاجم خود را نیز به نمایش گذاشته است. در این میان، یک حقیقت روشن و انکارنشدنی وجود دارد؛ این استوار است؛ آنان که با جان خود از امنیت قطعاً بی‌پاسخ و بی‌ارج نمی‌ماند. در کنار این فداکاری‌ها، نقش مردم ایران نیز در شکل‌گیری این تصویر جدید، مشهود و نمایان است. جامعه ایران در روزهای دشوار نشان داد که در لحظات سرنوشت‌ساز، فراتر از تفاوت دیدگاه‌ها و سلاقی سیاسی، ایامه‌در حول مفهوم ایران و امنیت ملی به هم نزدیک می‌شود.

۵ صفحه ادامه‌دار